

موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب □ بین حوزه و دانشگاه

علی اکبر شایسته نژاد^۱

چکیده

هدف این مقاله، آسیب شناسی عوامل مزاحم تقویت وحدت این دو قشر از منظر دورن شخصیتی و عوامل بیرونی و تبیین راهکارهای سرعت دهنده این مقصود است. وحدت حوزه و دانشگاه از انتظارات به حق و بسیار اثرگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی است که پس از انقلاب به اهتمام بزرگان هر دو قشر، از جایگاه ارزشمندی برخوردار شده است. اما هنوز تا رسیدن به وضع مطلوب، فاصله زیادی دارد. **روش** این مقاله از نوع پژوهشهای بنیادی است که به شیوه کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل درون‌متنی با استفاده از متون دینی و مشاهده و تجربه شخصی به بررسی مسئله پرداخته است. **یافته‌ها:** ۱. تبیین و بازخوانی برخی امور که مانع رشد و تکامل قطعی وحدت بین دو قشر دانشگاه و حوزه می‌شود؛ ارائه برخی راه‌حلهای مناسب برای رفع آن. **نتیجه‌گیری:** گسترش وحدت حوزه و دانشگاه در حد مطلوب، امری ضروری، ممکن و تحقق‌پذیر است و با برداشتن موانع موجود به شیوه مطلوب، می‌توان به توفیق بیشتری دست یافت.

واژگان کلیدی: وحدت حوزه و دانشگاه، موانع وحدت، موانع درونی، موانع بیرونی، مسائل صنفی.

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱۴ ؛ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۴/۲

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث و استادیار دانشگاه شهید رجایی / آدرس: تهران، بزرگراه امام علی (ع)، خیابان شهید شعبانلو، دانشگاه رجایی، دانشکده علوم انسانی / شماره: ۲۲۹۷۰۰۳۵ - ۰۲۱ / Email: asm2us@yahoo.com

▪ مقدمه

یکی از آرمانهای مهم انبیای الهی و پیشوایان دین، ایجاد اتحاد و وحدت در بین مردم، به ویژه افراد اثرگذار و برجسته جامعه ایمانی است. قرآن کریم همه پیروان پیامبران الهی را به وحدت بر محور توحید دعوت فرموده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران، آیه ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم.

قرآن کریم همه مؤمنان را به یکپارچگی در پناه دین فراخوانده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، آیه ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنیید و پراکنده نشوید.

خداوند عزیز تفرقه و جدایی را ناشی از منفعت طلبی گروهی (روم، آیه ۳۲)؛ تن ندادن به حقیقت (شوری، آیه ۱۴-۱۳) و موجب گسستن پیوند قلبها (آل عمران، آیه ۱۰۰)؛ ابتلای به عذاب (آل عمران، آیه ۱۰۵)؛ فاصله گرفتن از رسول خدا (ص) و مؤمنان (انعام، آیه ۱۵۹) و سستی و فرو ریختن ابهت و شکوه (انفال، آیه ۴۶) معرفی کرده است.

بدون تردید یکی از راههای تسلط دشمن بر مسلمانان، ایجاد اختلاف و جدایی میان آنان است. از این رو خداوند، منافقان را که با نیرنگ و خدعه در امت اسلام تفرقه می افکندند، سرزنش کرده (بقره، آیه ۲۰-۸) منافقون، آیه ۱۱-۱) و مسجد آنان را زمینه ساز این پدیده شوم خوانده و فرمان تخریب آن را صادر فرموده است: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ» (توبه، آیه ۱۰۷)؛ و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود.

قدرتهای استعماری پیوسته کوشیده اند بین مردم اختلاف بیندازند؛ لذا ایده «تفرقه بینداز و حکومت کن» از کلیدهای مهم و حیاتی سلطه جویان به شمار می رفته است.

در تاریخ شیعه پس از غیبت امام عصر (عج)، پیوند متقابل مردم و روحانیت یکی از عوامل مهم وحدت و مقاومت در برابر طاغوتها و تجاوزگریها بوده است. نهضتهای مهمی چون: قیام سرداران، قیام جنگل، نهضت تنباکو، شهید مدرس، آیت الله کاشانی و به ویژه قیام بی بدیل امام خمینی (ره) که در خرداد ۴۲ آغاز شد و در بهمن ۱۳۵۷ به بار نشست، نشان دهنده ارزش عمیق و ماندگار این وحدت و همراهی است.

▪ وحدت حوزه و دانشگاه

بدون تردید وحدت گروههای شاخص و با نفوذ جامعه از اهمیت بسیاری برخوردار است. فلسفه برخی از ازدواجهای رسول گرامی اسلام (ص)، برداشتن فاصله های بین قبیله ای و ... بوده است. (خلعتبری، ۱۳۸۶، ص ۸۶)

مواع درونى و بیرونى تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه ♦ ۴۵

اتفاق و همدلی دو نهاد حوزه، به عنوان تجلی و نمود علوم و ارزشهای دینی و دانشگاه، به عنوان جایگاه علوم تجربی، زمینه‌ساز وحدت همه‌آحاد جامعه و منشأ خیرات و برکات فراوان برای امت اسلام است. از این رو در تاریخ معاصر، امام خمینی (ره)، پرچمدار قیام یگانه تاریخ، با دید نافذ و ژرف در تعالیم اسلامی و تجربه گذشته امت، بارها و به مناسبت‌های مختلف بر این امر حیاتی تأکید ورزیده‌اند. ایشان جدایی دانشگاه از حوزه‌های علمیه را خیانتی بزرگ و پیوند و آشتی آنها را یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب دانسته و از اینکه افراد این دو قشر به ضرورت ارتباط با یکدیگر پی برده‌اند، اظهار خوشنودی کرده و فرموده‌اند اگر انقلاب فقط همین ثمره را بار می‌آورد، کافی بود. (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۲۱)

رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند: حوزه و دانشگاه، مکمل یکدیگر و دو ستون اصلی پیکر جامعه‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۳۶)

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، پیوسته روابط این دو قشر تأثیرگذار، صمیمانه‌تر و به وحدت و یگانگی نزدیک‌تر شد؛ گرچه در برخی از موارد، دست‌های پنهان استکبار اختلالاتی در این صفا و محبت به وجود آورد، اما هرگز نتوانست خلأیی کارساز در این روابط ایجاد کند. با وجود این، هنوز وحدت حوزه و دانشگاه به حد مطلوب خود نرسیده است و موانع متعددی در راه رسیدن به درجه ایده‌آل آن وجود دارد. هدف اساسی این وحدت، ارتقای جایگاه معنوی انسان و توجه به نیازهای باطنی و روحی اوست. تربیت نسلی خداجو، پرسشگر، ژرف‌اندیش، دارای اعتماد به نفس، هوشیار، دشمن‌شناس و دشمن‌ستیز است. روحانیت یکی از عناصر اساسی مورد اعتماد مردم و مولد فرهنگ است. باورها، هنجارها و ناهنجارها، اغلب از طریق روحانیت به جامعه تزریق می‌شود. در اداره جامعه دینی، مسائل اقتصادی، هنری، ورزشی، سیاسی و ... باید بر اساس تعالیم وحی و سنت پیشوایان دین تدوین شود و خاستگاه نیازسنجی‌ها، تدریس و آموزش آن به نسل جوان و آزمون کاربردی آن دانشگاه است. لذا تقویت این پیوند مقدس، جامعه را به این هدف مهم نزدیک می‌کند. علاوه بر آن، تحقق وحدت از رسالتهای مهم پیامبر اسلام (ص) است. پس تقویت آن بین این دو قشر تأثیرگذار موضوعیت دارد.

وحدت هر چه بیشتر حوزه و دانشگاه، ثمرات و نتایج فراوانی به بار خواهد آورد که از جمله آنها می‌توان به گسترش خدامحوری، اخلاق، انسان‌دوستی، همکاری در امور خیر، رقابت سازنده و ... اشاره کرد.

رهبر انقلاب می‌فرمایند: «فلسفه اصلی وجود روحانیت در دانشگاه، هدایت به صراط مستقیم است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۹۳). «باید فهم قرآن در بین مردم رایج بشود؛ طوری که تمام اقشار جامعه وقتی درباره مسئله‌ای از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فکر می‌کنند، یک معرفت قرآنی در ذهنشان نقش ببندد». (همان، ص ۹۸)

این مقاله با مروری بر بیانات امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری، به برخی از مهم‌ترین موانع پرداخته و راه‌حلهایی نیز برای بهبود اتحاد بین این دو قشر ارزشمند ارائه کرده است. وجه نوآوری مقاله در ارائه هفت بازخورد وحدت حوزه و دانشگاه است که زمینه تعامل، تکمیل، انتقاد و ارائه راه‌حلهای جدید را فراهم می‌آورد.^۱

○ الف) موانع درونی

منظور از موانع درونی، آفتها و مشکلاتی است که کم و بیش در درون فرد، محیط دانشگاه و حوزه یا محیط جامعه وجود دارد؛ آسیبهای خودی که از درون فرد مسلمان یا جامعه اسلامی، همانند موریانه، وحدت این دو قشر را تهدید می‌کند یا مانع رسیدن آن به حد نهایی و مطلوب می‌شود. این موانع را می‌توان از دو دیدگاه مورد توجه قرار داد:

□ موانع درون شخصیتی

هوای نفس، تکبر، خودخواهی، جمود، جهل، حسادت و ... از بزرگ‌ترین موانع و آفتهایی است که از آغاز خلقت انسان، به مبارزه با او آمده‌اند تا او را از مقام والایش فرود آورند.

امام علی (ع) فرمودند: خداوند شش گروه را به خاطر شش صفت ناپسند عذاب می‌کند: عربها را به خاطر تعصب داشتن، خان‌ها را به دلیل تکبر، فرمانروایان را به خاطر ستمکاری، فقیهان را به دلیل حسد ورزیدن، بازرگانان را به خاطر خیانت کردن و روستاییان را به خاطر نادانی. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۰)

بیان امام (ع) نشان می‌دهد که برخی از رذایل در اصناف و طبقات خاصی، اثر تخریبی بیشتری دارد. رذایل اخلاقی به صورت نسبی در همه اقشار جامعه وجود دارد؛ اما در وجود نخبگان حوزه و دانشگاه، هم دور از انتظار است و هم آثار تخریبی آن بسیار است. علت اشاره به برخی از این موارد، تأکید امام راحل (ره)، مقام معظم رهبری و نخبگان حوزه و دانشگاه بوده است.

هوای نفس: هر انسانی به دلیل ماهیت وجودی خود ممکن است دچار برخی از آفتهای اخلاقی شود و در نتیجه، در برابر حقیقت سر فرود نیابد و به دیگران مهر نوزد. یکی از این آفتهای هوای نفس است.

پیغمبر اکرم (ص) به سربازانی که از جبهه جنگ برگشته بودند فرمودند: «مردمی که جهاد اصغر را انجام داده و جهاد اکبر به عهده آنان باقی مانده، در گشایش و رحمت [الهی] باشند. عرض شد یا رسول الله! جهاد اکبر کدام است؟ فرمودند: جهاد با نفس». (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۴۶۷)

امام خمینی (ره) در قسمتی از نامه خود به آقای محمدعلی انصاری نوشته‌اند: «البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد - که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم - که آن حب نفس است که

۱. بررسی برخی موارد خود نیازمند مقاله‌ای مستقل است و امید است این نوشته جرعه‌ای در ذهن خوانندگان ایجاد کند و به تبیین آن بپردازد.

موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه ♦ ۴۷

این جریان و آن جریان، رئیس جمهور و رئیس مجلس و ...، نظامی و غیر نظامی، روحانی و غیر روحانی، دانشجو، غیر دانشجو، زن و مرد نمی‌شناسد و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است». (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۱۷۹)

ترک شهوتها و لذتها سخاست هر که در شهوت فرو شد برنخاست

(مثنوی، دفتر دوم، ص ۶۹)

جمود و تحجّر: آفت دیگر وحدت، جمود و تعصب نابجاست. بزرگ‌ترین دشمن قرآن، جمود و توقّف بر بینش مخصوص یک زمان و یک دوره معین است.

امام علی (ع) فرمودند: «قَصَمَ ظَهْرِي عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۱)؛ دو گروه پشت مرا [و پشت دین مرا] شکستند: نادان متعصب و عالم لابلایی.

شهید مطهری جمود را از عوامل مهم ایستایی و حتی بالاتر از جهل دانسته و فرموده است: «جمود بدتر از جهالت و حالتی است که مقدّس‌ترین روحیه را که روحیه تحقیق و کاوشگری است، از بشر می‌گیرد. شاید بشود گفت همان طوری که جمود از جهل زشت‌تر است، حسن تحقیق از خود علم مقدّس‌تر است. علم آنگاه مقدّس و قابل احترام است که با روح تحقیق توأم باشد. روح تحقیق آنگاه وجود دارد که بشر به نقص علم و اطلاعات خود معترف باشد» (مطهری، ۱۳۵۹، ج ۳، ص ۳۳۵)؛ زیرا «جمود جامدها، به جاهلها میدان تاخت و تاز می‌دهد و جهالت جاهلها، جامدها را در عقاید خشکشان متصلب‌تر می‌کند». (همان، ج ۱۹، ص ۱۱۲)

رهبر انقلاب فرمودند: «تحجّر موجب می‌شود که تحوّل انجام نگیرد؛ تحوّل که انجام نگرفت، پوسیدگی و مردگی پیش می‌آید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۱۸). «تحجّر و فکر نکردن در لایه‌های زیرین ظواهر، عیب بزرگی است». (همو، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸)

در جهانی که پیشرفت علم، با سرعت نور هم‌اوردی می‌کند، درجا زدن و به عقب برگشتن، بزرگ‌ترین آفت است و علما باید به جد با آن مبارزه کنند تا زمینه بومی شدن همه علوم با منطق و فرهنگ معنویت فراهم آید.

نداشتن روح علمی: آفت دیگری که بین اقبشار تحصیل کرده، به ویژه حوزه و دانشگاه شکاف و جدایی می‌اندازد، نداشتن روح علمی است. امام باقر (ع) فرمودند: «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ تَرْوِيهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۸۴)؛ فهم یک حدیث از نقل هزار حدیث بهتر است.

مطهری می‌نویسد: «روح علمی؛ یعنی روح حقیقت‌جویی، روح بی‌غرضی و طبعاً روح بی‌تعصبی، روح خالی از جمود و روح خالی از غرور. وقتی انسان روایات زیادی را که در موضوع علم وارد شده است مطالعه می‌کند، می‌بیند چقدر تکیه شده است روی این مطلب که یک عالم نباید تعصب داشته باشد، نباید جمود داشته باشد، نباید تجزّم داشته باشد که هر چه من تشخیص دادم لیس‌آلّا و فقط همین است، بلکه باید

به اصل «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء، آیه ۸۵) مخصوصاً توجه داشته باشد که آنچه ما از حقیقت می‌دانیم، بسیار کم است. نتیجه این است که آن که روح علمی دارد، از دلیل به مدعا می‌رود. طلبه‌ها می‌گویند: نَحْنُ اِبْنَاءُ الدَّلِيلِ، نَمِيلُ حَيْثُ يَمِيلُ؛ ما فرزند دلیل هستیم، هر جا دلیل برود دنبال آن می‌رویم. طبعاً آن دلیلهای پیداکردنی، دلیلهای ساختگی و تراشیدنی است و دلیل تراشیدنی دیگر دلیل واقعی نیست و منشأ گمراهی انسان می‌شود» (مطهری، ۱۳۵۹، ج ۲۲، ص ۵۵۰)

رهبر معظم انقلاب، این مطلب را با عنوان آزادفکری و تحمّل نظر مخالف مطرح کرده و فرموده‌اند: «اجازه بدهید دیگران حرف خود را بزنند، آنگاه شما با استدلال رد کنید. تفسیق، تکفیر، فحش و عصبانیت، با روح علمی سازگار نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۲۲). «نوآوری، سنت تاریخ و طبیعت است و بدون آن زندگی بشر معنا پیدا نمی‌کند» (همو، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴)

«تقویت روح علمی لازمه تقواست؛ زیرا در مفهوم تقوا، هوشیاری، بیداری، توجه و زیر نظر داشتن وجوه مختلف نهفته است» (همان، ص ۱۱۲)

پس حوزه و دانشگاه هر چه بیشتر و با روح علمی به بررسی امتیازات و نواقص درونی و بیرونی خود بپردازند، ریشه‌ها و استوانه‌های وحدت، پایدارتر خواهد شد.

□ موانع اجتماعی

برخی از موانعی که درون جامعه اسلامی و کشور ایران به عنوان ام‌القرای اسلام، در راه وحدت مطلوب میان حوزه و دانشگاه مشاهده می‌شود، عبارتند از:

عدم شناخت کافی: متأسفانه هنوز نوع فعالیتهای علمی و حد و مرز آن در حوزه و دانشگاه برای برخی افراد این دو قشر ناشناخته است. بسیاری از دانشگاهیان اطلاع ندارند که فعالیتهای دین‌پژوهی دستور صریح قرآن، همسنگ جهاد در راه خدا، تکلیف شرعی و واجب کفایی است و بر عده‌ای لازم است که به این امر اساسی و مهم اهتمام ورزند (توبه، آیه ۱۲۲) و توجه ندارند که در دنیای امروز، تفقه در دین و انطباق احکام اسلام با مقتضیات زمان، کاری پیچیده و بسیار دشوار و نیازمند تحمّل مشقّات و زحمات فراوان است. از این رو، گاه با اشاره به کار و تلاش رسول خدا (ص) و پیشوایان دین، همراه با تبیین قرآن و تبلیغ معارف، بر عالمان دین خرده می‌گیرند. برخی از حوزویان نیز برخی از رشته‌های علمی را بی‌ارزش می‌شمارند. (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۲۷۹؛ مطهری، ۱۳۵۹، ج ۱۹، ص ۵۹۵)

افراد عادی، کار را فقط بیل زدن می‌دانند و مطالعه را کار نمی‌دانند. طبابت روح و طبابت معنوی، طبابت از آسایش روان است: «فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ» (انعام، آیه ۸۱)؛ این را همه نمی‌فهمند؛ آدمهای دقیق‌تر می‌

البته اکنون بسیاری از فضیلت‌های جوان حوزه در علوم دانشگاهی نیز صاحب نظر و دارای مقالات معتبر پژوهشی و بین‌المللی هستند و همین امر، زمینه مناسبی برای تقویت وحدت است. بدون تردید اگر مبلغان بنام حوزه‌های علمیه بر اهمیت علوم دانشگاهی و مزایا و مضار آن تأکید ورزند و دانشگاهیان نیز بر ضرورت ارتباط با حوزه و استفاده از علوم دینی از آبخش زلال آن؛ یعنی حوزه‌های علمیه اصرار کنند، تلاش افراد توطئه‌گر و تفرقه‌انداز بی‌ثمر خواهد شد.

از منطوق آیه «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى» (یونس، آیه ۳۵)؛ آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود؛ اهمیت نگاه تخصصی و کارشناسی به امور علمی و عملی و توجه به نقش راه‌شناسی، راهیابی و راه‌گشایی هر یک از طبقات جامعه را می‌توان دریافت.

عدم شناخت کافی از نقش هر یک از این دو قشر موجب می‌شود تا استعمارگران با استفاده از خلأهای موجود، پیوسته بر طبل جدایی بکوبند.

ضعف روابط: یکی از امور مهم و توصیه‌های سازنده قرآن، ارتباط آگاهانه افراد آرمانی و حقیقت‌شناس با یکدیگر است (آل عمران، آیه ۲۰۰). تردیدی نیست که هر چه ارتباط افراد با یکدیگر بیشتر باشد، شناخت آنان عمیق‌تر بوده، منجر به وحدت بیشتر خواهد شد. انقلاب اسلامی ایران زمینه‌هایی برای این همکاری و ارتباط فراهم کرد:

«یکی از برکات این نهضت این بود که این قشرها را به [هم] نزدیک کرد» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۳۱۲)

اما متأسفانه به دلیل گستردگی دامنه علوم و مشکلات زندگی، در بسیاری از مواقع این ارتباط عمیق نیست و این گسست موجب می‌شود تا برای برخی افراد، توهم جدایی این دو قشر از یکدیگر به وجود آید. ارتباط‌های مقطعی و محدود نمی‌تواند موجب وحدت مطلوب شود. همین ضعف روابط، موجب عدم اطلاع و شناخت کافی از فعالیت‌های یکدیگر است.

امام راحل (ره) فرمودند: «دانشگاه و فیضیه پیوند خود را با یکدیگر محکم کنند. شما دو قشری هستید که اگر اصلاح بشوید، اصلاح می‌شود ملتها و اگر خدای نخواستہ شما اصلاح نشوید، یا منزوی بشوید، مملکتان و کسانی که می‌توانند در مملکت کاری بکنند، منزوی خواهند شد» (همان، ج ۱۴، ص ۱۸۸)

براین اساس، این دو قشر در سلامت اخلاقی، رشد علمی، سرفرازی در سطح جهانی و بین‌المللی و تقویت روابط انسانی، اثر مهمی دارند. لذا ارتباط بیشتر این دو قشر، نیازمند راهکارهای اصولی و واقع‌بینانه است.

عدم پابندی عملی: بدون تردید در بین هر دو قشر، به خصوص در حوزویان، افرادی خودساخته، مهاجر، مجاهد، آزاده و حقیقت‌جو وجود دارد و نمی‌توان با توجه به ضعف برخی افراد، مجموعه را متهم کرد. اما بی

توجهی برخی از افراد این دو قشر به اصول اخلاقی، علمی، فکری و... موجب ایجاد شکافهای عمیق می‌شود. خداوند، کسانی را که سخن می‌گویند ولی عمل نمی‌کنند، توبیخ کرده است. (صف، آیه ۳-۲؛ بقره، آیه ۴۴)

امام خمینی (ره) می‌نویسند: «خارجی‌ها، برای غارت مملکت، عنایت زیادشان به دو جبهه بود؛ یکی جبهه روحانیون، یکی جبهه دانشگاه‌ها. برای همین نکته بود، آنها این معنا را فهمیدند که اگر این دو جبهه به آن طوری که باید باشد، بشود، دست آنها از منافع کوتاه خواهد شد» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۳۱۰). «دانشگاه و حوزه‌های علمیه و روحانیون می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر متعهد بیرون می‌آید؛ یعنی در کنار تحصیلات متحقق در آنجا، تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه‌های علمیه مُهذب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می‌توانند نجات بدهند. علم تنها اگر ضرر نداشته باشد، فایده ندارد». (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۳)

عدم توجه هر یک از این دو قشر به اموری چون: نظم و انضباط در کارها، قانون‌پذیری، نظافت و بهداشت، رعایت ادب، پایبندی به اصول دینی و ... موجب ضعف ارتباط و وحدت می‌شود. امام راحل (ره)، ایده «نظم در بی‌نظمی» را از القائنات شوم توطئه‌گران می‌دانند. (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۵)

نظام آموزشی: یکی از عوامل تفرقه، نظام آموزشی، محتوای کتابهای درسی و نوع تدریس آنهاست. در زمینه علوم انسانی، متون حوزوی اصیل و معتبر است ولی با مقتضیات زمان فاصله دارد و کتابهای دانشگاهی مبتنی بر دستاوردهای بیگانه است. کم کردن فاصله این منابع و تدوین آنها بر اساس نگاهی نو، واقع‌گرا و کاربردی، نقش مهمی در توسعه و تعمیق وحدت دارد.

نگهداری متون اصلی از دستبرد حوادث، استنباط فروع از اصول و تطبیق کلیات بر جزئیات، طرح و اکتشاف مسائل جدید که هر عصری با خود می‌آورد، جلوگیری از گرایشهای یک‌جانبه، مبارزه با جمود بر شکلها و ظاهرها و عاداتها، تفکیک احکام اصلی و ثابت و مادر از مقررات فرعی و نتیجه، تشخیص اهم و مهم و ترجیح اهم، تعیین حدود اختیارات حکومت در وضع قوانین موقت و بالأخره تنظیم «برنامه‌های متناسب با احتیاجات روز، از اهم وظایف علمای امت در دوره خاتمیت است. (مطهری، ۱۳۵۹، ج ۳، ص ۱۹۶)

«حوزه‌های علمیه باید بنشینند و متد درسی، کتاب درسی جدید و منقح، درست کنند ... ما با خوب درس خواندن موافقیم، با درس عمیق خواندن موافقیم، اما با تزیین عمر طلبه، به خیال اینکه دارد درس می‌خواند، موافق نیستیم». (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۲۸)

روش مباحثه، پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به کیفیت، وجود انگیزه‌های معنوی و رابطه محبت‌آمیز استاد و طلبه، از ویژگی‌های برجسته و ممتاز حوزه است و دانشگاه در این امور خلأهایی دارد. نداشتن طرح درس

مواع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه ♦ ۵۱

مشخص، قدیمی بودن متون درسی، مشخص نبودن طول دوران تحصیل، کم توجهی به رایانه را می توان از ضعفهای آموزش حوزه دانست. و در میان هر دو نظام، گاه عدم تناسب مهارت به دست آمده با نیازهای جامعه وجود دارد (قاضی زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۴۵-۳۵۲). امروز حوزه و دانشگاه، علاوه بر بازسازی متون درسی بر اساس مقتضیات زمان و نیازهای روز، در روش ارائه نیز باید به آموزش فرایندمحور (فیروزی، ۱۳۸۱)، حل مسئله (شریعتمداری، ۱۳۸۰)، معلم انتقادی (فریره، ۱۳۵۸) و به کارگیری ابزارهای نوین آموزشی توجه کنند. رهبر معظم انقلاب فرمودند: «حوزه هم به اینکه خود را بهروز کند، احتیاج دارد. روحانیونی که مستمع نداشتند، کسانی بودند که نیاز زمان را نفهمیده بودند. مردم تشنه یک سری حرفها از اسلام بودند که بر زبان اینها جاری نمی شد، یا جرئت نمی کردند، یا عقلشان نمی رسید یا جایز نمی دیدند». (خامنه ای، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵) «حوزه علمیه قم، باید کاری کنند که دین خدا در بین مردم، مورد رغبت و شوق قرار گیرد. دین را آن چنان که خدا خواسته است، باید به مردم ارائه دهند. این هم احتیاج به تحقیق، به نوآوری، به روشنفکری، به آگاهی از دنیا و به خالی بودن از هواها و هوسهای دنیایی دارد. اگر نه در همه، لاقلاً در بخش عظیمی و حداقل در کسانی که دست اندرکار و مسئول هستند» (خامنه ای، ۱۳۷۲). «نگاه نو و مبتکرانه به مسائل دینی و فکری اسلامی، همان نگاه روشنفکری است؛ نباید از آن غفلت کرد» (همو، ۱۳۸۸، ص ۲۰۱). پیدایش یک اندیشه نو در جان یک انسان نخبه و خلق شدن یک فرآورده تازه، یک رویش است». (همان، ص ۲۰۸)

○ (ب) مواع بیرونی

مواع بیرونی شامل اموری است که ریشه آن خارج از شخصیت و مسائل این دو قشر است؛ دستهای پیدا و پنهانی که رشد و بالندگی اخلاقی و علمی جامعه را در ابعاد معنوی و تجربی، مانع دستیابی به اغراض پلید خود می دانند. قدرتهای سلطه گر و مزدوران داخلی آنان به روشهای مختلف بر طبل تفرقه می کوبند. برخی از این مواع نیز رهاورد کم توجهی است. بدیهی است عوامل بیرونی بدون وجود زمینه های درونی نمی تواند به نتیجه برسد. دشمن بیرونی، همیشه با استفاده از نقاط ضعف افراد، در آنان نفوذ می کند. از این رو، شیطان از نفوذ در افراد مخلص اظهار عجز و ناتوانی کرده است: «وَلَأَعْوَبِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخَلَّصِينَ» (حجر، آیه ۴۰-۳۹)؛ و همه را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان خالص تو از میان آنان را.

رهبر معظم انقلاب فرمودند: «اگر چه قصورها و تقصیرهای ما، یقیناً در بروز مشکلات دخیل است، اما دشمنان خارجی را از عوامل اصلی مشکلات می دانم». (خامنه ای، ۱۳۸۸، ص ۸۹) «روزی که استعمار وارد این کشور شد ... آن روزی که روحانیت ما، بیش از همیشه احتیاج بیشتری به هوشمندی، دشمن شناسی، زمان را شناختن، نیاز زمان را دانستن و سینه سپر کردن داشت؛ متأسفانه در

مقطعی از زمان عقب ماند». (همو، ۱۳۷۵، ص ۱۱۸)

عوامل بیرونی می‌توانند علت موجبه تفرقه باشند، ولی علت مبقیه آن نیستند. پس عوامل بیرونی بدون وجود زمینه‌های درونی، نمی‌توانند اختلالی در وحدت این دو قشر ایجاد کنند. با وجود این، نمی‌توان عوامل بیرونی را نادیده گرفت و حیل‌های دشمن را ضعیف شمرد. برخی از موانع بیرونی دستیابی به وحدت مطلوب عبارتند از:

تفرقه افکنی: برخی افراد سودجو یا وابسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، زمینه تفرقه بین اقشار مختلف جامعه و از جمله این دو قشر مهم را ایجاد می‌کنند. افراد مزدور با سوء استفاده از خلأ ارتباطی، به شایعه‌پراکنی و ایجاد تخم اختلاف می‌پردازند. منافقان با ترور برخی شخصیت‌های برجسته، رابطه دیگران را با مردم کم رنگ کردند. ضعف ارتباط، یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز شایعه‌های ناروا، تهمت و تفرقه است.

قرآن کریم درباره قوم یهود می‌فرماید: «أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (بقره، آیه ۸۷)؛ پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید.

اینکه قرآن کریم تکذیب کردن و کشتن را کنار هم قرار داده، برای آن است که یکی به ترور شخص و دیگری به ترور شخصیت مربوط می‌شود و در هر صورت، نقش پیامبر که باید واسطه بین خدا و خلق باشد، رنگ می‌بازد و دیگر نمی‌تواند نقش هدایت و رهبری خود را ایفا کند.

در آیه مذکور، بی‌آبرو کردن پیامبر خدا و نسبت ناروا دادن به او، ناپسندتر از کشتن خوانده شده است؛ زیرا اگر کسی بی‌دلیل کشته شود، موقعیت او تثبیت می‌شود، اما شخص بی‌آبرو اگر زنده هم باشد، موجب هدایت کسی نخواهد شد. به عبارت دیگر؛ تا به پیامبر نسبت ناروا ندهند و اعتبار و ارزش او را در جامعه خدشه‌دار نکنند، نمی‌توانند او را بکشند. مقدمه کشتن، ترور شخصیت است. اول باید آبرو و موقعیت شخص را خدشه‌دار کرد و حیثیت او را زیر سؤال برد تا کشتن او آسان شود. اول باید او را جایز القتل کرده، آنگاه اقدام به قتل کنند.

امام راحل امت (ره) فرمودند: «و از نقشه‌های اجانب، کوشش در جدایی این دو قطب و تفرقه‌اندازی بین این دو مرکز حساس آدم‌ساز است... خنثی کردن فعالیت آنها در مقابل استعمار و استثمارگران، از بزرگ‌ترین فاجعه‌های عصر حاضر است» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص ۸۳-۸۲) و فرمودند: «من می‌دانم که بعضی از افراد یا به جهالت یا به عمد می‌خواهند تفرقه مابین این مجتمع بیندازند. تفرقه بین این مجتمع معنایش این است که در اسلام خدای نخواستہ خلل واقع بشود؛ استعمار به آرزوی خودش برسد». (همان، ج ۱، ص ۳۹۷)

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «حوزه‌های علمیه در درون خودشان هیچ بحرانی ندارند؛ چون در حوزه

موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه ♦ ۵۳

کسی چیزی ندارد که از دست بدهد. لذا [عده‌ای] کوشش می‌کنند که این بحران را ایجاد کنند و به حوزه تفهیم کنند که شما برای نظام زندگی مردم لازم نیستید! درست مثل اینکه به جامعه پزشکی تفهیم کنند که شما مورد نیاز مردم نیستید». (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۱۵)

دشمنان اسلام که از وحدت مسلمانان آسیب می‌بینند، با هر حيله‌ای می‌کوشند تا بین آنان جدایی بیندازند. از آنجا که دین امری فطری است و به همین دلیل زمینه نفوذ افراد خائن در آن وجود دارد، یکی از مهم ترین زمینه‌های تفرقه، سوء استفاده از علایق دینی و اعتقادات مردم است. قرآن کریم می‌فرماید: «و فرعون گفت: مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند. من می‌ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند». (غافر، آیه ۲۶)

رهبر انقلاب می‌فرماید: «هدف مهم دشمن، ایجاد اختلاف در رأس نظام است». (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸) یکی از راههای تفرقه بین حوزه و دانشگاه، تهمت و ابستگی است. اتهام دانشگاهیان به بی‌دینی و اتهام حوزویان به مخالفت با علم، دستمایه مهمی برای دشمن است تا بین صفوف این دو قشر اثرگذار شکاف بیفکند. متهم کردن افراد برجسته به ابستگی به قدرتها، جیره‌خواری و ... از قدیم حربه‌ای کارساز در ایجاد فاصله بین مردم بوده است. هر چند نمی‌توان وجود افراد وابسته را نفی کرد و تاریخ گواه خوبی است بر اینکه دشمن با نفوذ در عالمان دینی (مانند: محمد بن عبدالوهاب، بنیانگذار فرقه وهابیت) و عالمان دانشگاهی (مانند: کسروی، سروش، مهاجرانی و ...)، ضربه‌های مهلکی بر پیکر دین زده‌اند؛ ولی هرگز نباید بدون تعمق کافی کسی را متهم به ابستگی کرد.

حضرت امام (ره) می‌فرماید: «چون این دو قوه اسلام؛ قوه روحانیت و قوه دانشگاه، می‌توانست در مقابل اینها بایستد و با فشار نتوانستند آنان را از هم جدا کنند، به تبلیغات پرداختند تا دانشگاه را از روحانیت و روحانیت را از دانشگاه و همه را از مردم جدا کنند». (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۳۱۱) رهبر انقلاب می‌فرماید: «مسئله تکفیر و رمی و این حرفها را بایستی از حوزه و انداخت، به ویژه نسبت به علمای برجسته و بزرگ». (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶)

تفاوت حیطة مسؤلیتها: موضوع و نوع فعالیت حوزه با دانشگاه متفاوت است و این تفاوت به طور طبیعی تا حدودی در جدایی این دو گروه از یکدیگر مؤثر است. عده‌ای از افراد ناآگاه و برخی مزدوران آگاه با سوء استفاده از این عوامل طبیعی، به ایجاد شکاف بین این دو قشر ارزشمند می‌پردازند.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «وقتی ما وحدت حوزه و دانشگاه را عنوان می‌کنیم، بدیهی است مقصود این نیست که این دو را در عالم واقعیت به یک چیز تبدیل کنیم؛ زیرا اگر چه در گذشته، در حوزه‌های علمیه، همان دروسی خوانده می‌شد که امروز در دانشگاهها خوانده می‌شود، اما اگر فرض کنیم آن دروس

حوزه‌های علمیه، همان پیشرفتی را که تا امروز کرده است، می‌کرد، باز امروز باید به مقتضای تخصص و تشعب، هر گروه کار و درس خودش را دنبال کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲)

تیبین و شناخت معارف دین، زمان‌شناسی، انطباق معارف اسلامی با مقتضیات زمان و... که از وظایف حوزه‌های علمیه است، نیازمند تخصص ویژه و کسب مهارت‌های علمی خاص است که با آموزش علوم تجربی و آزمایشگاهی، کاملاً متفاوت است. نوع، مواد، ابزار پژوهش و... آن از شرایط و مقدمات خاصی نشئت می‌گیرد که با حوزه علوم تجربی کاملاً متفاوت است. عدم توجه به این اختلاف روشها، از عوامل تفرقه است.

از طرف دیگر، حیطة تربیت و سازندگی دینی با امر و نهی‌هایی همراه است که در سایر علوم وجود ندارد. برای مثال، درباره هیچ کتابی توصیه نشده است که هنگام تلاوت آن سکوت شود (اعراف، آیه ۲۰۴) یا بدون وضو آن را لمس نکنند. (واقع، آیه ۷۹)

رهبر انقلاب می‌فرماید: «فرض بفرمایید به آسمانها بروند و دوربینهای تلسکوپ را در آنجا تعمیر کنند. این پیشرفت عظیمی برای بشر است. اما اگر از نظر جهت‌گیری زندگی، بینشی که انسان به آن احتیاج دارد، نباشد، اصلاً این ابزار برای بشر هم لازم نیست؛ بلکه مضر است. انسان امروز، از این نظر عقب‌مانده است، دستش خالی است. معنویت در دنیا نیست. جهت‌گیری درست، نیست. برای همین است که دنیا پر از ظلم و جور است.» (همان)

توجه به این امور در جهان امروز، منشأ ایجاد دشواری‌ها و برخی روگردانی‌ها از دین است.

همچنین مرز حلال و حرام، طهارت و نجاست و... ویژه دین و از دسترس علوم تجربی خارج است. حتی برخی اندیشمندان معتقدند که اگر با پشتوانه علمی به احکام اسلام، عمل شود، نوعی شرک و علم‌پرستی است (حسینی تهرانی، ۱۴۲۵، ص ۶). به هر حال، شناخت حیطة و حدود فعالیت‌های حوزه و دانشگاه و حفظ و احترام به حریمها و مرزها، از عوامل بسیار مهم در امر وحدت حوزه و دانشگاه است.

کوچک‌ترین سخن نادرست و رفتار ناشایست حوزویان، زیر میکروسکپ نگاهها، چندین برابر بزرگ می‌شود و همه از این قشر انتظار گذشت، مهر و... دارند؛ ولی چنین حساسیتی نسبت به دانشگاهیان وجود ندارد. بنابر این، افراد وابسته به حوزه باید بیش از دیگران به اصول اخلاقی پایبند باشند.

اگر انتظار دانشگاهیان از حوزه و انتظار حوزویان از دانشگاه و حد و مرز درخواستهای آنان به نیکویی تبیین شود و هر یک از این دو قشر از حریم و حدود خود پاسداری کنند، زمینه‌های وحدت تقویت می‌شود.

تفاوت نگرش: نوع نگاه افراد به مسائل خود و جامعه، نقش مهمی در ساختار فکری و عملی آنان ایفا می‌کند. نگاه منصفانه به امور جامعه، انتقاد عادلانه و به موقع، توجه به نقاط ضعف و قدرت دوست و دشمن و... موجب اتفاق و همدلی است. اما نگاه یک‌جانبه و تکیه بر نقاط قوت یا ضعف بدون توجه به جنبه دیگر

مواعن درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه ❖ ۵۵

آن و جانبداری یا مخالفت بدون دلیل نسبت به افراد جامعه، موجب تیرگی روابط و در هم شکستن وحدت است.

انتظار همگان از جامعه علمی حوزه و دانشگاه، ارائه نظرات بی طرفانه، کارشناسانه و سنجیده است. متأسفانه در هر دو قشر افرادی هستند که بدون اتکا بر پشتوانه های علمی، اموری را تحسین می کنند و اموری را زشت می شمارند. بسیاری از این داوری ها ناشی از نوع نگرش آنان به مسائل جامعه است. رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۸۰)؛ علاقه تو به چیزی موجب می شود که نسبت به آن کور و کر شوی (عیبهایش را نبینی و بدی هایش را نشنوی). داستان مشهور عنب، ازوم و انگور، بیان کننده همین تفاوت نگرش است (امام خمینی، ۱۳۶۰، ص ۱۷۳):

چار کس را داد مردی یک درم	آن یکی گفت این به انگوری دهم
آن یکی دیگر عرب بد گفت: لا	من عنب خواهم نه انگور ای دغا
آن یکی ترکی بد و گفت ای گزم	من نمی خواهم عنب خواهم ازم
آن یکی رومی بگفت این قیل را	ترک کن خواهیم استافیل را
در تنازع آن نفر جنگی شدند	که ز سر نامها غافل بدند
مشت بر هم می زدند از ابلهیی	پُر بدند از جهل و از دانش تهی

(مثنوی، دفتر دوم، ص ۳۳۴)

گاه تحلیل هر دو قشر از مسائل جاری جامعه، رفتارهای حکومتی، قوانین و ... از حب و بغضهایی سرچشمه می گیرد و آرای دیگران را بدون دلیل محکوم می کنند؛ زیرا هر گروهی فقط به پیروزی حزب خود دل بسته است (مؤمنون، آیه ۵۳) و این با منطق دین و قرآن که همگان را به بیان سخنانی استوار و ارائه دلایلی کارساز دعوت می کند، سازگار نیست.

قرآن کریم می فرماید: «فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء، آیه ۹)؛ از [مخالفت] خدا بپرهیزند و سخنی استوار بگویند. و نیز می فرماید: «أَلِإِلَهٍ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (نمل، آیه ۶۴)؛ آیا معبودی با خداست؟! بگو: دلیلتان را بیاورید اگر راست می گوید!

تلاش هر دو گروه برای نگرش عالمانه و پژوهشگرانه به امور جاری جامعه، زمینه خوبی برای تقویت وحدت و همدلی است.

مسائل دیگری چون: عدم شناخت مقتضیات زمان، عوام زدگی، عدم رویکرد تخصصی به علوم، وابستگی مالی و ... وجود دارند که ظرفیت مقاله، فرصت طرح آنها را نمی دهد.

کمبود فضای هم اندیشی: برای نزدیک شدن رابطه بین این دو گروه برجسته اجتماعی، باید تلاشهای

کارشناسانه و علمی صورت گیرد تا بهترین روشهای وحدت و اتفاق و همچنین عوامل تفرقه‌افکن و اختلاف‌انگیز شناسایی شود. هر دو گروه باید با علاقه به جستجوی عوامل تقریب و دوستی برخیزند و با احساس ضرورت و نقش این پیوند، در جستجوی عوامل استحکام و علل ضعف وحدت برآیند. بدیهی است اگر ضرورت رابطه دوجانبه برای هر دو قشر آشکار نباشد، انگیزه‌ای برای تکاپو و تلاش وجود نخواهد یافت و یقیناً تلاشهای یک‌سویه نتیجه مطلوب و کارآمدی لازم را بر جا نخواهد گذاشت.

ایجاد بسترهای مناسب برای هم‌اندیشی و آشنایی با بینشها و نگرشهای یکدیگر اگر با همت طرفین همراه شود، نتایج مبارکی برای هر دو قشر و همچنین برای جامعه اسلامی بر جا خواهد گذاشت و راه نفوذ بدخواهان را نیز مسدود خواهد کرد؛ زیرا یکی از ابزارهای سوء استفاده دشمن، خلأهای موجود در بین این دو قشر است که با چنین اموری مسدود خواهد شد. البته در همه این موارد، کارهای چشمگیر و مفیدی انجام شده است که باید تکمیل و تقویت شوند.

نبودن معیار: تقویت رابطه بین حوزه و دانشگاه، نیاز به معیارهای مناسب و کارآمد دارد. نتیجه تلاشهایی که بدون مطالعه کارشناسی و فراهم آمدن زمینه‌های لازم و کافی انجام شود، بسیار سطحی و موقت خواهد بود. افراد دلسوز و تلاشگر هر دو قشر باید با ایجاد بسترهای مناسب، معیارهای لازم و مؤثر را در امر اتحاد و همبستگی این دو قشر ارجمند، مورد مطالعه و شناسایی قرار دهند.

با مطالعه علمی و ارزشیابی مستمر، مقایسه روند تأثیر روابط این دو قشر در دانشگاهها، بررسی علل رشد یا کاهش آن به صورت نوبه‌ای و ... می‌توان معیارهای ثابتی را برای رشد و تعالی وحدت فراهم آورد و با دستیابی به معیارهای مورد توافق طرفین، می‌توان برنامه‌ای هدفمند، اصولی و مستمر برای تکامل رو به رشد وحدت بین این دو قشر فراهم کرد.

▪ آثار وحدت مطلوب

گرچه برای رفع موانع درونی و بیرونی و دستیابی به رابطه‌ای مطلوب، عالمانه، سازنده و تعالی‌بخش، کارهای فراوان و مهمی انجام شده، ولی تقویت تعامل کارشناسانه بین دو گروه ضروری است. بازخورد این وحدت از نظر رهبر معظم انقلاب، دستیابی به امور ذیل است:

۱. آمادگی کامل برای خدمت به جامعه دینی؛ وقتی دین به من احتیاج دارد، اگر من نیاز آن وقت را نشناسم و به آن پاسخ ندهم، چه فایده که خودم را آماده و مستعد کمک برای دین بدانم. (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰)
۲. تقویت علم و ایمان، علم و معنویت و علم و اخلاق جوانان (همو، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴)؛ در حدی که اگر یک جوان کم‌اعتقاد لایبالی وارد دانشگاه شد، در حالی از دانشگاه بیرون بیاید که عمیقاً متدین و دارای تعهد دینی و اخلاق دینی است. (همان، ص ۱۹۳)

موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه ♦ ۵۷

۳. جهت‌دهی به آرمان جوانان؛ زیرا بدون آرمان نمی‌شود درست زندگی کرد. باید آرمان باشد تا به انسان جهت بدهد. (همان، ص ۱۷۶)
۴. زمینه‌سازی و تلاش جدی این دو قشر برای آگاه کردن جوانان از موضع اسلام در زمینه شبکه‌های اقتصادی دنیا؛ مسئله نفت، دلار، تجارت خارجی و منابع اولیه؛ به گونه‌ای که تصور نکنند اسلام ناقص است. (همو، ۱۳۷۵، ص ۱۲۳)
۵. به کارگیری علم در خدمت انسانیت، عدالت، صلح و امنیت. (همو، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹)
۶. توجه دادن جوانان به ترکیب مناسب و معتدل همه نیازمندی‌های انسان؛ مانند علم، دین، هنر، ذوق، صنعت، سازندگی‌های گوناگون، کشاورزی، خدمات، روابط خارجی؛ همه اینها یک مجموعه است و باید باهم به پیش برود. (همان، ص ۲۰۸)
۷. بررسی علل دین‌گریزی جوانان؛ شیوه تبلیغات و وضعیت تبیین تکالیف دینی؛ زیرا دین، صحیح و متین و جذاب است. (همان، ص ۸۸)

▪ راهکارها

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، یکی از نفخه‌های رحمانی است. رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: در برخی از ایام زندگی شما، نسیم‌های رحمانی می‌وزد، هشیار باشید تا آن را به چنگ آورید (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۹۶). یکی از برکتهای انقلاب، تقویت روابط بین روحانیت و دانشگاه بوده است. لازمه رشد و پویایی انقلاب، حفظ و تقویت وحدت حوزه و دانشگاه و ثمره و نتیجه آن، تعالی معنوی، علمی و اخلاقی جوانان است. برای ارتباط حوزه و دانشگاه، گامهای ارزشمندی برداشته شده و هر روز رو به بالندگی و تکامل است. برخی از راهکارهایی که از نظر نگارنده می‌تواند به این حرکت، سرعت و قوت ببخشد، عبارتند از:

○ کارگروههای مطالعاتی مشترک

ایجاد کارگروههایی متشکل از علمای حوزه و دانشگاه، برای بررسی و پژوهش در مورد زمینه‌ها، عوامل، شیوه‌ها و ... تحقق وحدت بین این دو قشر و آسیب‌شناسی آن. در این کار مشترک علاوه بر ایجاد ارتباط علمی، توانایی‌ها و استعدادهای هر یک از دو قشر نیز شناخته می‌شود و زمینه را برای استحکام همدلی و صمیمیت فراهم می‌آورد. وجود علوم میان‌رشته‌ای، زمینه بسیار خوبی برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بین حوزه و دانشگاه است؛ به خصوص در شرایط کنونی، توصیه رهبر معظم انقلاب مبنی بر تدوین سرفصلها و منابع دروس علوم انسانی بر محور دین و نیازهای جامعه، زمینه بسیار خوبی را برای یک تعامل جدی فرهنگی فراهم آورده است.

نشستهای کارشناسی مشترک برای نقد علوم میان‌رشته‌ای و ارائه راهکارهای مفید و تعمیق و توسعه آن بر اساس فرهنگ دینی، مهم‌ترین عامل وحدت‌آفرین است.

○ برنامه‌های اردویی

همراهی و همدلی‌هایی که در شکل‌گیری انقلاب و به ویژه دفاع مقدس در بین اقشار مختلف جامعه، به ویژه حوزه و دانشگاه در تلاشهای جهاد سازندگی و اداره جنگ تحمیلی و ... صورت گرفت، نمونه و الگوی خوبی برای استمرار هم‌زیستی دوستانه و هدفمند به منظور رشد و تقویت وحدت و صمیمیت است. تشکیل اردوهای علمی، زیارتی، تفریحی و ... مشترک می‌تواند در اعتلا و تقویت شناخت و وحدت بین این دو قشر نقش بسزایی ایفا کند.

○ اطلاع‌رسانی

هر یک از این دو قشر ارزشمند باید خود را به جامعه معرفی کند و حدود وظایف، اختیارات، وظایف صنفی و نقش خویش را در تبلیغ معارف دینی، توسعه روابط انسانی، تولید دانش و بهبود روند رشد جامعه توضیح دهد. گر چه در نوشتارهای اختصاصی هر دو قشر این امور وجود دارد، اما برای تقویت مبانی وحدت و دستیابی به چشم‌انداز مورد انتظار نظام جمهوری اسلامی، باید راهکارها و شیوه‌های جدید را به کار گرفت. رهبر انقلاب می‌فرماید: «تعداد روحانیون، حدود تحصیلی، میزان فضل، توانایی تبلیغی، تأثیرگذاری در محیط و ... اصلاً در آمارهای و اطلاعات ما منعکس نشده است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵). در مورد دانشگاه نیز ناشناخته‌های فراوانی وجود دارد.

دفاتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، یکی از فرصتهای بسیار خوب برای تقویت این وحدت است.

○ هشدارها

تجربه نشان داده که برخی از عوامل آفت‌زای وحدت در جامعه وجود دارد که مورد تأیید علمای حوزه و دانشگاه نیست، ولی به هر حال بر طبل اختلاف این دو قشر می‌کوبد و فاصله‌ها را زیاد می‌کند. برخی از این موارد عبارتند از:

بی‌توجهی برخی از علمای حوزه به قانون و سوء استفاده از کسوت روحانیت و ناآگاهی برخی از دانشگاهیان نسبت به مبانی اساسی دین.

شاید برخی از دانشگاهیان، جز در مجالس ختم، از نعمت همنشینی با حوزویان برخوردار نباشند. وجود افراد سودجو یا ناآگاه در این مجالس، موجب بدبینی آنان نسبت به همه حوزویان شده، شکاف عمیق و گاه جبران‌ناپذیری را فراهم می‌کند.

موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه ❖ ۵۹

همچنین حوزویانی که عهده‌دار امور ازدواج و طلاق و ... هستند، گاه با رفتارهای ناپسند خود و ... موجبات تنفر همگان به ویژه دانشگاهیان را فراهم می‌آورند.

روحانیون محترمی که عهده‌دار هدایت امور تبلیغی و مذهبی مردم در سفرهای زیارتی مانند عمره، حج، عتبات، سوریه و ... می‌باشند، هم از جهت تبلیغ و هم از جهت رفتار، زیر نگاه تیزبین دیگران به ویژه دانشگاهیان هستند و بی‌توجهی آنان از جهت علم و عمل، موجب ایجاد فاصله و بدبینی خواهد شد.

■ نتیجه

استاد مطهری دربارهٔ ضعفها و مشکلات انقلاب اسلامی ایران می‌نویسد: «در قدیم می‌گفتند جهانگیری، از جهانداری آسان‌تر است. انقلاب ایجاد کردن، از انقلاب نگه داشتن آسان‌تر است. انقلاب را حفظ کردن، خیلی دشوار و مشکل است.» (مطهری، ۱۳۵۹، ج ۲۴، ص ۱۳۹)

دو قشر سرنوشت‌ساز حوزه و دانشگاه بیش از هر زمان دیگر باید فرصتها را غنیمت شمارند و دست مهر و دوستی یکدیگر را بفشارند، عوامل تفرقه را بشناسند و عوامل وحدت را تقویت کنند. به خصوص علمای برجستهٔ حوزه و دانشگاه باید با خلوص نیت، اهتمام وافر و علاقهٔ خالصانه، این نسیم حیات معنوی را که به لطف خداوند در جامعه دمیده است، پاس بدارند و همهٔ اعضای این دو بنیاد علمی - فرهنگی عنایت کامل را در استفاده از این فرصت طلایی بنمایند و برای استفادهٔ هر چه بیشتر از آن بهره‌گیری کنند. دانشگاه از حوزه: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به کیفیت، تقویت انگیزه‌های معنوی و ... و حوزه از دانشگاه: روشها و فنون جدید آموزش و هر دو برای کاربردی کردن آموخته‌ها و ظهور آثار آن در جامعه همدلی کنند تا شاهد دستیابی به وحدت مطلوب باشیم.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی.
- نهج البلاغه؛ سید رضی (بی تا)، قم، دارالهجره.
- إحسانی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵)، *عوالی الآلی*، قم، انتشارات سید الشهداء
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹)؛ *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۰)؛ *تفسیر سوره حمد*، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام.
- حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ ق)؛ *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۵ ق)؛ *الله شناسی*، تهران، حکمت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶)؛ «بایستگی‌های حوزه»، *نشریه اندیشه حوزه*، سال سوم، ش ۱، ص ۳۶-۸
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵)؛ *حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸)؛ *مؤسسه حفظ و تنظیم آثار رهبر انقلاب*: www.khamenei.ir
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲)؛ *نرم افزار پرچمدار عشق*، www.shafagh.net
- خلعتبری، حسام‌الدین (۱۳۸۶)؛ «پاسخ به شبهات زندگی پیامبر (ص)»، *نشریه خط اول*، سال اول، ش ۱، ۹۳-۸۴.
- دژاکام، علی (۱۳۸۸)؛ *گزیده سایه‌سار ولایت (سخنان مقام معظم رهبری)*، قم، نشر معارف.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۰)؛ *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر.
- صدوق، محمد (۱۳۶۲)؛ *امالی*، قم، کتابخانه اسلامی.
- صدوق، محمد (۱۴۱۳ ق)؛ *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- فریره، پائولو (۱۳۵۸)؛ *آموزش ستم‌دیدگان*، ترجمه بی‌رشک، تهران، خوارزمی.
- فیروزی، رضا (۱۳۸۱)؛ *معارف اسلامی با تأکید بر رویکرد فرایندمدار*، قم، انجمن معارف.

موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه ♦ ۶۱

- قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۹)؛ «آسیب‌شناسی نظام آموزشی حوزه»، مجموعه مقالات حوزه و روحانیت، تهران، مؤسسه بشری.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، «بحار الانوار»، بیروت، وفا
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)؛ مجموعه آثار، قم، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)؛ ترجمه قرآن کریم، قم، نگین.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۸)؛ مثنوی، به کوشش عبدالکریم سروش، تهران، علمی فرهنگی.

